

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه شنبه ۷ تیر ۱۴۰۱ ۲۸ ذیقعدہ ۱۴۴۳_ ۲۸ ژوئن ۲۰۲۲- شماره ۱۹۶۵ _ سال هفتم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۷۴
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli
مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
سردبیر: فضل‌الله یاری
چاپ: ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۲۵
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷- ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷

یادداشت‌ها بدون مطالب

پرسش‌ها، انکارها و این حقیقت گم‌شده

- نقطه شروع گفتگو طرح پرسش‌های درست، تعریف مسئله و جستجوی حقایق پنهان در زیر پوست زندگی بدون انکار و کتمان حقایق است. اما واقعیت‌ها پیچیده‌تر از خواسته‌های من و شماست و به آسانی تن به فرموله شدن و رام شدن آن گونه که من و شما می‌خواهیم نمی‌دهند. - کاش سخن می‌گفت این نسل کاش سخن می‌گفت آن‌گونه که شما سر من فریاد می‌کشید. - سخن نمی‌گوید آقای جستارنویس! او دارد فریاد می‌زند نه با کلمات با پروفورمنس، میمیک و سبک اجرای زندگی روزمره‌اش، نسل تازه دارد سبک زندگی خودش را با رفتار روزمره‌اش روایت می‌کند یک مسئله، درک و پذیرش و دیدن این روایت است با به تماشا نشستن چیزی که او در سکوت یا هیاهویش به نمایش می‌گذارد، درک همدلانه این نسل تنها با داوری کردنش ممکن نیست.

- اما نسل نوآمده مغرور است منعطف نیست، گوش نمی‌دهد ... - ببینید همین است دیگر! شما قاضی شده‌اید و دارید بکرز حکم صادر می‌کنید! حال آنکه او فقط دارد زندگی خودش را می‌کند و بازندگی‌اش در واقع و به‌صورت هم‌زمان دارد خودش، خودش را روایت می‌کند.

- اما درحالی‌ها باید تابع نظمی باشد من فکر می‌کنم با نسل خودخواهی مواجه هستیم - همین است دیگر: نظم و به کنترل درآوردن این نسل خوب نمی‌دهد اگر نسل تو او متهم به خودخواهی می‌کند او نیز نسل تو را پدرسالار و غیرقابل تحمل می‌داند.

- پس گفتگو در کجا می‌تواند اتفاق بیفتد؟! - میان شکاف‌ها و روزنه‌ها، نسل تو اول باید آموخته‌های گذشته‌اش را دور بریزد، خودش و اندیشه‌هایش را نو کند، آستانه تحملش را برای نزدیک شدن همدلانه و همراه شدن به آن‌ها بالا ببرد و با ورود به جهان او، جهانش را ادراک و در صورت ضرورت بر آن تأثیر بگذارد.



علی داریا

جستارنویس

- شلوغش کرده‌ای آقای جستارنویس! هیاهوی بیهوده‌ای است که راه انداخته‌ای، کدام نسل، کدام تفاوت میان نسلی؟! ما همه اولاد آدم بودیم و این نسل‌ها روی یک خط ممتد ادامه هم‌اند، یادت نیست؟! انگار همین دیروز بود که لباس‌های پدر را برای پسر و لباس‌های مادر را برای دخترها کوچک می‌کردند، فرزندان چه کیفی می‌کردند که کفش و لباس داشتند و بعد هم فرزندان همان افکار ساده و کوچک‌شده پدر و مادرها را طوطی‌وار تکرار می‌کردند.

- اما حالا خیلی چیزها تغییر کرده است و تغییرات کاملاً محسوس است اما الزاماً هر تغییر، به معنای حرکت به جلو نیست اما تغییر تغییر است همان‌طور که آب است برخی تغییرات ممکن است با سلیقه و عادت‌های ما سازگار نباشد برخی ممکن چالشی برای اخلاقیات و رسومات ما باشد به‌عنوان مثال: نسل ما به نسل‌های پیش از خود احترام می‌گذاشت، ما پامان را جلوی بزرگ‌ترها دراز نمی‌کردیم، صدایمان را بلند نمی‌کردیم، به‌دشواری روی حرف بزرگ‌ترها حرف می‌زدیم.

- درست است اما انتقال همان فرهنگ، خرده‌فرهنگ یا رفتارها به شکل کامل و بی‌تغییر ممکن نیست چرای فضای زندگی و خاستگاه افراد و نسل‌ها تغییر کرده است ما در یک فضای دیگر نفس می‌کشیم و زندگی می‌کنیم. - من هم بنایم نسخه پیچیدن برای نسل‌ها و تعریف بایدنویند نیست با تغییرات حادث‌شده در صورت‌بندی زندگی و جایگاه خانواده، اقتصاد و معیشت و... بسیاری چیزها خارج از اراده ما بخوایم یا نه تغییر کرده است.

- دوباره می‌رسیم به درک متقابل نسل‌ها و نوع گفتن میان نسلی.

طافه تاریخی

روزی که تروریست اتریشی جنگ جهانی اول را آغاز کرد



در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴م، آرشیدوک فرانز فرديناند، وليعهد امپراتوري اتریش، به دست برنزیب، تبعه اتریش و متکلم به زبان صربستانی در سارایوو ترور شد.

دولت اتریش، صربستان را به مداخله در این امر متهم کرد. صربستان با انجام تحقیقات مخالفت کرد و این مساله دست‌انویز اعلان جنگ دولت اتریش به صربستان شد. آلمان هم متعاقب این امر و به حمایت از اتریش به روسیه و فرانسه اعلان جنگ داد. نیروهای آلمان در چهارم اوت (۱۳ مرداد) به بلژیک حمله کردند و این اقدام یعنی حمله به یک کشور بی‌طرف موجب دخالت انگلیس در جنگ شد.

در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ م. آرشیدوک فرانز فرديناند، وليعهد امپراتوري اتریش، به دست برنزیب، تبعه اتریش و متکلم به زبان صربستانی در سارایوو ترور شد. دولت اتریش، صربستان را به مداخله در این امر متهم کرد.

صربستان با انجام تحقیقات مخالفت کرد و این مساله دست‌انویز اعلان جنگ دولت اتریش به صربستان شد. آلمان هم متعاقب این امر و به حمایت از اتریش به روسیه و فرانسه اعلان جنگ داد. نیروهای آلمان در چهارم اوت (۱۳ مرداد) به بلژیک حمله کردند و این اقدام یعنی حمله به یک کشور بی‌طرف موجب دخالت انگلیس در جنگ شد.

نیروهای درگیر در جنگ عبارت بودند: دولت‌های محور (آلمان، اتریش، مجارستان، بلغارستان و امپراتوری عثمانی) و نیروهای متفق (بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، روسیه، بلژیک و صربستان) در آوریل ۱۹۱۷ م. (فروردین ۱۲۹۶ ش.) ایالات‌متحده با قدرت نظامی و تجهیزات فراوان در حالی به طرفداری متفقین وارد جنگ شد که نیروهای متفقین تقریباً رو به نابودی بودند.

نگارخانه

نقد و بررسی نمایشنامه «به دوزخ...ای بی‌گناهان» اثر بختیار علی با برگردان مریوان حلبچه‌ای

ما را نه غم دوزخ و نه حرص بهشت است



جميله همچون روايت اديان از آدم و حوا که با خوردن گندم يا سيب از بهشت رانده می‌شوند و به این خراب‌آباد تبعيد شده‌اند، به صحنه وارد می‌شوند: «جميله: من هرگز پروانه‌ی معصوم و بی‌گناهی نبودم. در واقع خودم از اداره زندان‌ها تقاضا کردم که به اینجا بیايم و از تو درخواست بخشش کنم. من عمیقاً احساس گناه می‌کنم ...مردها همه گناهان را از آن خود کرده‌اند و آنچه برای ما مانده، فقط گناهان مربوط به تمنان است.مصطفی: شاید گناهکار باشم، اما گناهانم از آن گناهانی نیست در برابر دولت یا خدا در بی تطهیرش باشم. شاید گنه بزرگم این باشد که نمی‌توانم از آن گنداب‌ها که آن‌ها به داخلشان برتابم می‌کنند، خارج شوم ...ص:۶۲،۹۲ و ۹۴) جميله مثل حوا با لباسی بدنما وارد زندان می‌شود تا نشان دهد که به مصطفی‌بی‌وفا نبوده و به او خیانت نکرده است.مصطفی با به این برزخ گذاشته که زندگی کند، او نایمده که علیه نظام حاکم قیام کند، او حتا رضا به داده و یک زندگی ساده می‌دهد که به یک زندگی معمولی تن بدهد و با جميله و فرزندان‌ش زندگی کند ولسی وقتی می‌بیند که از او یک حیات محقر را هم دریغ می‌کنند، مرگ را بر این عمر حقرات وار ترجیح می‌دهد و با مرگی ارادی بر سطور زندگی‌اش ساطور می‌کشد و به فرزندان‌ش می‌گوید که مثل او زندگی کنند و زیر بار این زندگی ذلت‌بار نروند و چرخ بر



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

این نمایشنامه ۱۴۷ صفحه است. در پیشگفتار این نمایش‌نامه، یک گفت‌وگو میان نمایش‌نامه نویس و مترجم وجود دارد و یک نقد با عنوان «زیبایی شکست، جغرافیای شرم» که فارس باقری نوشته است، شخصیت اصلی این داستان «مصطفی» به جرم بی‌گناهی محترمانه، محاکمه می‌شود.بازرس‌ها به او می‌فهماند که دچار توهم بی‌گناهی شده است.بازجوها او را مجبور می‌کنند و از او می‌خواهند که باید به گناه خود مقرر شود وگرنه او را در حبس نگاه می‌دارند تا زیر پایش علف سبز شود.مصطفی نخست با اصرار جميله، همسرش، می‌پذیرد که هنگامی که کتابدار کتابخانه عمومی بوده، کتابخانه را به آتش کشیده است. او دو شاهد را برای خود می‌تراشد، یکی جميله و دیگری مسئول کتابخانه است. جميله هم در مقابل بازرس‌ها برای اثبات گناهان نکرده‌اش، خیانت به مصطفی را پیش می‌کشد تا خود را این محصمه برهاند، اما در نهایت مصطفی تحقیر و تنزل را در دادگاه نمی‌پذیرد و مثل سقراط شوکران سر می‌کشد و وصیت‌نامه‌ای برای فرزندان‌ش می‌نویسد تا برده از چهره کربسه عاملان این جنایت بردارد. مصطفی و

میراث

آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی؛ یادگار دوره تیموری



آرامگاه یا آستانه شاه نعمت‌الله ولی بنیای مربوط به دوره تیموری است که در شهر ماهان استان کرمان جای گرفته است. این اثر در تاریخ ۱۳۱۰ دای ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۱۳۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.اولین بنا که گنبدخانه است در سال ۸۴۰ قمری در زمان شاهرخ تیموری و آخرین توسعه آن در سال ۱۳۸ هجری قمری بوده است، مساحت این آرامگاه ۳۵هزار مترمربع است.شاه نعمت‌الله شاعر و عارف ماهانی کرمانی از پدري عرب و مادري ایرانی زاده شد. از ۵سالگی در پی عرفان قدم در وادی سختی گذاشت. او که هم‌عصر با حافظ شیراز بود شعرهای زیادی هم سرود. می‌گوید او حافظ با هم دیدار هم داشته و چند شاعر زنده‌اند هم با هم کرده‌اند

معماری و رمز و راز گنبد فیروزه‌ای این آستان مورد توجه و بررسی چندین دانشمند و ریاضیدان خارجی قرار گرفته است. دکتر ویبست کارلز کارشناس ارشد ریاضی در دانشگاه اترخت که مدتی بر روی طرح گنبد فیروزه‌ای این بنا پژوهش می‌کرد، در طرح این گنبد به ۱۱ قسمت مساوی رسید و از آنجا که در بسیاری از گنبدها از اعداد زوج برای معماری استفاده می‌شود این عدد شگفتی کارلز را برانگیخت چرا که از نظر ریاضی، محیط دایره به‌طور معمول به قسمت‌های مساوی زوج تقسیم می‌شود. این استاد ریاضی در توضیح ساختمان شگفت‌انگیز این گنبد می‌گوید زمانی که ۳۶۰ را ۱۱ تقسیم شود

راستی‌ها

عاقبت عشق کار

داشت که کار ربطی به این حرف‌ها ندارد! شاید اگر کس دیگری بعد از سه ماه حقوق نگرفتن کار می‌کرد همه با طعنه و کنایه هر حرفی را حواله‌اش می‌کردند، اما چون می‌دانستند این عادت مختار است پس نمی‌توانستند به او بدبین باشند که مثلاً دارد چاپلوسی می‌کند یا زیر جلکی حقوقش را گرفته است و به بقیه کاری ندارد. اصلاً حواسش به این حرف‌ها و بحث‌ها هم نبود. می‌گفت حتماً پول نیست که حقوق نمی‌دهند و ما باید کارمان را بکنیم. هر چه جند بار چند تا از کارگران خواستند و توجیهش کنند که عمداً حقوق نمی‌دهند و پول هم هست و از این حرف‌ها... باز مختار زیر بار نمی‌رفت و می‌خندید و می‌گفت مگر مرض دارند! و نه این‌طور نیست، شما چرا این‌همه به فکر کار نکردن هستید. شخصیت بی‌قرار و فنی و سالم‌و به‌راحتی دستخوش تغییر نمی‌شد و تقریباً در تمام طول دوران کاری‌ام کسی را این‌چنین مشتاق و عاشق کار و بی حاشیه ندیده بودم و این را بیشتر همکارانم هم با تعجب همراه با طعنه می‌گفتند. بعضی او را ساده و کم‌عقل می‌دانستند و بعضی حتی به آنجا انداخته است.



خیام واحدیدیان

نویسنده

مختار با اینکه سن بالایی داشت و با توجه به شناسنامه شصت سالار را پشت سر گذاشته بود، اما فرز و چابک بود و به‌راحتی همیای جوانان تازه‌کار و گاه بیشتر از آن‌ها کار می‌کرد و دیرتر هم خسته می‌شد. خودش می‌گفت تازه شناسنامه‌ام را هم کوچک گرفته‌اند و الا بالای شصت‌وپنج سال دارد و تعریف می‌کرد که در جوانی دنبال اسب‌های رهاشده در دشت و کوه‌پایه‌ها می‌رفتم و آن قدر می‌دویده که اسب‌ها کم می‌آوردند و او با یک حرکت سریع می‌پرده و سوار اسب بی‌زین و افسار می‌شده است. انگیزه عجیبی برای کار کردن داشت و در هر شرایطی کاری را که به او مربوط بود انجام می‌داد و به بقیه هم کمک می‌کرد. حتی اگر سه ماه از حقوق خبری نبود و همه عاصی بودند باز این مختار بود که بدون توجه به اعتراض بقیه کارش را ادامه می‌داد و تأکید

زنگار هفته

کس نیست که غم از دل ما داند برد یا چاره کار عشق بتواند برد گفتم که به شوخی ببرد دست از ما زین دست که او پیاده می‌داند برد

مشق تکلم

محادی:

مقابل، برابر – و روبرو شونده

محال علیه:

در عقد حواله کسی که ذمه مدیون به او انتقال می‌گردد محال علیه نام دارد.

مجازستان

هیچوقت یادم نمیره، یه روز دوتا امتحان داشتم، فارسی و ریاضی، ننسستم فارسی کامل خوندم، ریاضی وقت نشد، فارسی امتحان نگرفت ولی ریاضی چرا: ()، ()، (ضراک)

قدیما وقتی کسی مریض میشد میگفتن برو بخواب پتو بر بکش سرت خوب میشی. راست میگفتن، ریشه همه دردی جسمی درد روحه که اونم دواش همون خواب. (نیلوفر آبی)

انقدر گرما خوردم میتونم تو جهنم بکشم کنار و بهت بگم بنده به‌عنوان کسی که چهارتا جهنم بیشتر از تو پاره کرده ایسن حرفو میزنم. (موقعیت مقدا)

یکی از دختری فامیل از خودش موقع آهنگ خوندن به استوری گذاشت بعد هر دو دقیقه به بار استوریشو نگاه میکرد، بهنش گفتم چرا اینجوری میکنی سرمون درد گرفت، گفت هر کی که سنین میکنه میرم به دور به استوری‌م از دید اون نگاه میکنم. (بکسل)

تکلم

یک بچه ماموت از دل تاریخ به دنیای ما آمد

یک بچه ماموت که به‌خوبی حفظ‌شده و بیش از ۴۰هزار سال پیش می‌زیسته است، در منطقه‌ای موسوم به «یوکوان» کانادا کشف‌شده است که کارشناسان می‌گویند کامل‌ترین نمونه کشف‌شده در آمریکای شمالی است.این بچه ماموت در لایه همیشه منجمد زمین که اصطلاحاً «خاک منجمد» نامیده می‌شود، به‌صورت دست‌نخورده و کامل مومیایی شده است.به زمین دائم یخ‌بسته و لایه همیشه منجمد خاک که معمولاً در نواحی قطبی و نیمه‌قطبی یافت می‌شود، خاک منجمد گفته می‌شود. به‌جز مناطق قطبی، در برخی مناطق کوهستانی نیز به خاک دائم منجمد برمی‌خوریم. در حدود ۱۵ هزار سال پیش نیم‌کره شمالی خاک منجمد هستند.خاک‌های منجمد مهم‌ترین انبار منان در کره زمین هستند. پس از آخرین دوران یخبندان، ارتفاع آب دریاها ۱۰۰متر بیشتر از امروز بوده است. پس از انجماد مناطق گسترده‌ای از دریاه‌ا و رودهای موجود در قطب شمال در منطقه سبیری شرقی، حدود دو میلیون کیلومتر مربع از دریاها یخ زد. بستن این دریاه‌ا از خاک منجمد تشکیل‌شده است.عق خاک منجمد در سبیری و اقیانوس منجمد شمالی گاهی به ۱۵۰۰متر می‌رسد.این بچه ماموت توسط معدنچپانی که در معادن طلا کار می‌کردند پیدا شد و تصاویر بقایای آن نشان می‌دهد که پوست آن هنوز دست‌نخورده و از آسیب و تجزیه مصون مانده و حتی مقداری مو هنوز به بدن آن چسبیده است. تجزیه‌وتحلیل‌های بیشتر نشان داد که این بچه ماموت، ماده است و در کنار اسب‌های وحشی، شیرهای غارزی و گاو میش کوهان‌دار دشتی غول‌پیکر که هزاران سال پیش در منطقه یوکان پرسه می‌زدند، زندگی می‌کرده است.«تاج پیلای» وزیر گردشگری و فرهنگ کانادا در بیانیه‌ای گفت: منطقه یوکان همیشه یک رهبر مشهور بین‌المللی در تحقیقات عصر یخبندان بوده است. ما در مورد کشف مهم این بچه ماموت پشمالی مومیایی‌شده هیجان‌زده هستیم. بدون مشارکت قوی بی معدنچیان و مسئولان این منطقه، اکتشافاتی مانند این نمی‌توانست اتفاق بیفتد.افزود: این بچه ماموت که در زبان محلی به آن «نون چو گا» می‌گویند، دست‌ها و پاهایش روی هم قرار گرفته و چشمانش بسته است.تنه این بچه ماموت که زمانی عضلانی بوده، اکنون سست شده و بدنش فرورفته است. بااین حال، کارشناسان از دست‌نخورده بودن این نمونه هیجان‌زده هستند. به‌عنوان مثال، سب‌های آن هنوز دارای شیارهای ناشی از ساییدگی هستند. دکتر «گرانر زارولا» دیرینه‌شناس

در بیانیه‌ای گفت: به‌عنوان یک دیرینه‌شناس عصر یخبندان، یکی از آرزوهای طولانی زندگی من بوده است که با یک ماموت پشمالو واقعی روبرو شوم. آن رؤیا امروز به حقیقت پیوسته است. «نون چو گا» زیبا و یکی از باورکردنی‌ترین حیوانات مومیایی‌شده عصر یخبندان است که تاکنون در جهان کشف‌شده است و من برای آشنایی بیشتر با او هیجان‌زده هستم. منطقه یوکان به محلی برای پرسه زدن ماموت‌های پشمالو شهره است، اما تحقیقات در سال ۲۰۲۱ نشان داد که این منطقه تا ۵سال پیش، خانه آن‌ها بوده است.دانشمندان دریافته‌اند که این بچه ماموت یک ردیابی کردند و دریافتند که متعلق به ۳۰هزار سال پیش است.«تایلر مورچی» متخصص باستان‌شناسی در حوزه دی‌ان‌ای باستانی در دانشگاه «مک‌مستر» گفت که وقتی نمونه‌ها را دیده، با خود فکر کرده که ممکن است مواد جالبی درون آن‌ها وجود داشته باشد که منتظر مطالعه و بررسی هستند. شواهد نشان می‌دهد که هم ماموت پشمالو و هم اسب باستانی تا همین اواخر تا ۵۰۰سال پیش می‌زیسته‌اند و دوره آن‌ها را به واسط «هولوسن» رساندند، دوره‌ای که تقریباً ۱۱ هزار سال پیش آغاز شده و ما امروزه در آن زندگی می‌کنیم.«اس مک‌فی» از موزه تاریخ طبیعی آمریکا که یکی دیگر از نویسندگان این مطالعه است، می‌گوید: اگرچه ماموت‌ها برای همیشه از بین رفته‌اند، اما اسب‌ها هنوز هستند. اسبی که ۵۰۰سال پیش در یوکان زندگی می‌کرده، مستقیماً با گونه‌اسبی که امروز داریم مرتبط است.



Tchavdar_Nikolov_Bulgaria